

مصادیق «الناس» و «یحسدون» در آیه ۵۴ سوره نساء از دیدگاه فریقین

عشرت السادات میرعابدینی^۱

مریم آزاد^۲

چکیده

در آیه ۵۴ سوره نساء، خداوند متعال می‌فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». یکی از پرسش‌های تفسیری، شناسایی دقیق مراد از واژه «الناس» است. در میان مفسران شیعه و اهل سنت، دیدگاه‌های گوناگونی درباره مصداق «الناس» مطرح شده است. برخی آن را اشاره به پیامبر اکرم ﷺ و برخی اشاره به اهل بیت ﷺ و برخی آن را مربوط به عموم مسلمانان شمرده‌اند. این مقاله با بررسی تفاسیری از دو مذهب و تحلیل ساختار نحوی و معنایی آیه، تلاش می‌کند تا مصداق «الناس» را با توجه به دیدگاه‌های مختلف، تبیین کرده و حسد یهود نسبت به فضل الهی را تحلیل کند. حسد به عنوان یکی از رذایل اخلاقی، در این آیه منشأ انکار نبوت و حقانیت پیامبر ﷺ معرفی شده است. نگاه مقایسه‌ای به دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت، نشان می‌دهد که هر دو گروه به صورت مستقیم یا ضمنی، «الناس» را بر نبی مکرم اسلام ﷺ تفسیر کرده‌اند، البته شیعه دامنه مصادیق آیه را با محوریت اهل بیت ﷺ گسترش داده است. این مقاله ضمن ارائه تحلیل تطبیقی، نشان می‌دهد که حسد یهود، ریشه در انحصارطلبی تاریخی، تعصب قومی و استکبار دینی آنان داشته است و این حسد، مانعی برای درک حقیقت و پذیرش پیام الهی شده است.

۱. دانشجوی دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری. ali1101360@gmail.com

۲. دانشجوی دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری. maryamazad1403@gmail.com

واژگان کلیدی

فضل الهی نسبت به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، حسادت یهود، سیاق آیات اولوا الامر، جری و تطبیق، دیدگاه‌های تفسیری فریقین

درآمد

قرآن کریم کتاب هدایت و سرچشمه معارف الهی است که دربردارنده حقایق ژرف عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. با تأمل در آیات کریمه، می‌توان به بخشی از معارف آن دست یافت. یکی از آیات قابل تأمل، در سوره نساء، آیه ۵۴ است که می‌فرماید:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

آیا مردم را بر آن چه خدا از فضل خویش به آنان داده است حسد می‌برند؟

این آیه با لحنی پرسش‌گونه و سرزنش‌آمیز، به یکی از انگیزه‌های اصلی دشمنی یهود با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره دارد. حسد، یکی از رذایل اخلاقی بزرگ است که در آیات و روایات اسلامی، شدیداً نکوهش واقع شده و به عنوان مانعی برای درک حقیقت معرفی گردیده است. یهود که انتظار پیامبری از میان قوم خود داشتند، پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از میان عرب، دچار نوعی سرخوردگی و تکبر قومی شدند و نخواستند فضیلت الهی را در غیر خود ببینند.

واژه «الناس» در این آیه، نقش کلیدی در فهم آیه و شناخت مخاطب دارد. تفسیرهای مختلفی از این واژه ارائه شده است. برخی آن را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر کرده‌اند؛ برخی آن را شامل اهل بیت علیهم السلام هم می‌دانند و بعضی آن را بر عموم مسلمانان حمل کرده‌اند. این تفاوت تفسیری، بستری مناسب برای تحلیل تطبیقی میان دیدگاه‌های فریقین فراهم می‌آورد.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که مراد از واژه «الناس» در آیه ۵۴ سوره نساء از دیدگاه فریقین چیست؟ چه عواملی سبب حسد یهودیان نسبت به مردم مورد فضل الهی شد؟ در این مقاله تلاش می‌شود با بررسی برخی از منابع تفسیری فریقین و تحلیل ساختار زبانی آیه، تصویری روشن از مقصود قرآن و زمینه تاریخی آن ارائه گردد.

الف) مفهوم حسد در قرآن و روایات

ابتدا مفهوم حسد، شناسایی شده و سپس وضعیت لغوی و نحوی آیه تحلیل می‌گردد.

۱. حسد در لغت

حسد از نظر لغوی به معنای «آن تمنی زوال نعمه المحسود» است.^۳ در تاج العروس آمده:

الحسد ان تمنی زوال نعمه المحسود الیک،^۴

در قرآن کریم، سوره فلق به صراحت به موضوع حسد می‌پردازد:

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ.

حسد به معنای ناراحت بودن از نعمت دیگران و آرزوی زوال آن است. این خُلقِ رذیله، نه‌تنها به شخص حاسد آسیب می‌زند، بلکه باعث گمراهی و دشمنی می‌شود. در منابع روایی، حسد، ریشه بسیاری از گناهان معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.

حسد، حسنات را می‌سوزاند همان‌طور که آتش هیزم را.

در آیه ۵۴ سوره نساء، حسد به‌عنوان انگیزه اصلی یهود در انکار پیامبر اسلام ص معرفی شده است. این نکته نشان می‌دهد که این حسد صرفاً احساسی فردی نبوده بلکه دارای ریشه‌های عمیق اعتقادی، اجتماعی و تاریخی است.

۲. تحلیل لغوی و نحوی آیه

آیه مورد بحث چنین است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

در این آیه، «ام» منقطعه است، به معنای «بل» یا «آیا» و برای سرزنش و تعجب به کار رفته است. فعل «یحسدون» در صیغه مضارع آمده و استمرار حسد را نشان می‌دهد. «الناس» مفعول به و منصوب و واژه‌ای کلیدی در این آیه است که تعیین مصداق آن، موضوع اصلی

۳. لسان العرب، ج ۳، ص ۱۴۸.

۴. تاج العروس، ج ۴، ص ۴۲۰.

مقاله است. عبارت «ما آتاهم الله من فضله» نشان‌دهنده نعمت ویژه‌ای است که موجب حسادت شده است. این نعمت از دیدگاه مفسران شامل نبوت، علم، کتاب، حکمت و حتی امامت می‌شود. زمخشری می‌گوید:

كانوا يحسدون على ما آتاهم الله من النصرة والغلبة وازدياد العزّ و التقدّم كل يوم.^۵

ب) دیدگاه مفسران در رابطه با مصادیق «الناس»

نخست دیدگاه تفاسیر شیعی و سپس نظرات مطرح‌شده در تفاسیر اهل سنت بررسی می‌شود.

۱. دیدگاه مفسران شیعه

برخی از تفاسیر شیعی، مراد از «الناس» را پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام دانسته‌اند. ابن ادریس حلی از قول ابن عباس، «الناس» را نبی مکرم و خاندانش شمرده است.^۶

سید هاشم بحرانی در تفسیر روایی البرهان ضمن بیان روایاتی از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام، مصادیق الناس را خود ایشان دانسته است:

و عنه: عن الحسين بن محمد بن عامر الاشعري عن معلی بن محمد، قال: حدّثنی الحسن بن علی الوشاء عن احمد بن عائذ عن ابن اذينة عن برید العجلی، قال: سألت ابا جعفر علیهما السلام عن قول الله عزوجل: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، فكان جوابه: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا يَقُولُونَ لِأَيِّمَةِ الضَّلَالَةِ وَالْدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ: هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ سَبِيلًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا. أَمْ هُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلكِ يَعْنِي

۵. الکشاف، ج ۱، ص ۵۲۲.

۶. موسوعة ابن ادریس، ج ۳، ص ۳۰۷.

الإمامةَ وَ الْحِلَافَةَ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا؛ نَحْنُ النَّاسُ الَّذِينَ
عَنِ اللَّهِ، وَ النَّقِيرُ: النَّقْطَةُ فِي وَسْطِ النَّوَاةِ. أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى
مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ نَحْنُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ
مِنَ الْإِمَامَةِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ. فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ
الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا يَقُولُ: جَعَلْنَا مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِيَاءَ
وَ الْأَئِمَّةَ، فَكَيْفَ يَقْرَوْنَ بِهِ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ يُنْكِرُونَهُ فِي آلِ
مُحَمَّدٍ ﷺ.

وَأَنَّ بَابَ آخِرَهُ فِي رِوَايَاتِهِ

و عنه عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد عن الحسين
بن سعيد عن محمد بن الفضيل عن ابى الحسن عليه السلام، فى قول
الله تبارك و تعالى: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
. قَالَ: نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ.

سَالِ هَشْتَمِ، شَمَارَةُ بَيْسْتِ وَ نَهْمِ، تَابِسْتَانِ ١٤٠٤

و عنه عن الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الوشاء
عن حماد بن عثمان عن ابى الصباح، قال: سألت ابا عبد الله عليه السلام
عن قول الله عز وجل: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
فَضْلِهِ؛ فَقَالَ: يَا أَبَا الصَّبَّاحِ، نَحْنُ وَ اللَّهُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ.
و عنه باسناده عن احمد بن محمد عن محمد بن ابى عمير
عن سيف بن عميرة عن ابى الصباح قال: قال ابو عبد الله عليه السلام:
نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ طَاعَتَنَا، لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ السَّالِ
وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ
اللَّهُ: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.^٧

همچنین وی نقل کرده است که امام رضا علیه السلام در مجلس مأمون و در حضور جمعی از
علمای خراسان، زمانی که کسی در ارتباط با برتری ائمه علیهم السلام نسبت به مردم دیگر صحبت

٧. البرهان، ج ٢، ص ٩٢ - ٩٤.

کرده و مورد اعتراض مأمون واقع شد که آن چه می گویی در کجای کتاب خدا آمده است، فرمودند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ، يَعْنِي الَّذِينَ قَرَأْتُمْ بِالْكِتَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ حَسَدُوا عَلَيْهِمَا، فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا، يَعْنِي الطَّاعَةَ لِلْمُصْطَفَيْنِ الطَّاهِرِينَ، فَالْمُلْكُ هَاهُنَا الطَّاعَةُ لَهُمْ.

صاحب تفسیر الصافی با ذکر احادیثی، مراد از الناس را این گونه تبیین کرده است:

فی الکافی و العیاشی و غیرهما عنهما علیهما السلام فی عدة روایات: نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَةِ. وَ فی المجمع عن الباقر علیه السلام: أَلْمُرَادُ بِالنَّاسِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَلَا يَبْعُدُ أَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ مِثْلَ مَا آتَاهُمْ فَإِنَّهُمْ كَانُوا بَنَى عَمِّهِمْ. وَ الکافی و القمی عن الصادق علیه السلام: أَلْكِتَابُ النُّبُوَّةِ وَ الْحِكْمَةُ الْفَهْمُ وَ الْقَضَاءُ وَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ الطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ. وَ فی الکافی و العیاشی عن الباقر علیه السلام: يَعْنِي جَعَلَ مِنْهُمْ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَئِمَّةَ فَكَيْفَ يُقَرِّونَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ يُنْكِرُونَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. وَ قَالَ: أَلْمُلْكُ الْعَظِيمُ أَنْ جَعَلَ فِيهِمْ أِئِمَّةً مَنْ أَطَاعَهُمُ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ فَهُوَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ.^۸

محمد هادی معرفت، موهبت الهی را اعطای مقام نبوت و وصایت به پیامبر ﷺ و خاندانشان، دانسته و آنها را مصداق «الناس» می‌شمرد. او این اعطا را همان چیزی می‌داند که به دلیل ظلم، کفر و سرکشی، از یهود سلب شد. از این رو آنها همان حسودان هستند و موضوع حسد، مقام نبوت و وصایت است و محسود، پیامبر و اهل بیت ﷺ می‌باشند.^۹ قریشی در احسن الحدیث، مراد از «الناس» را پیامبر ﷺ و خانواده‌شان دانسته است. او نبوت و فضیلتی که خداوند به آنها داده و ملک عظیم یعنی حکومت ظاهری و معنوی را از دلایل حسادت شمرده است. وی با استناد به حدیثی از امام صادق ﷺ که می‌فرماید:

مراد از حکمت، درک و قضاوت و مراد از ملک عظیم،

مفترض الطاعة بودن است.

سخن خود را مستند می‌سازد.^{۱۰}

مدرّسی در تفسیر هدایت ضمن بیان قباحت رذیله حسد، مبارزه با آن را از ضروریات می‌شمرد و از برخی رفتارهای افراد حسود مانند نزدیک کردن خود به قدرت‌ها و رقابت با آنها صحبت می‌کند. او معتقد است راه درست، اعتراف به فضل ائمه ﷺ و تسلیم شدن به جای انکار است، نه این که به دلیل نعمت خداوند به آنها راه حسد در پیش گرفته شود. آن چه از اندیشه مدرّسی بر می‌آید این است که او نیز پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ را مصادیق «الناس» می‌داند که به آنها حسودی شده است.^{۱۱}

برخی از مفسران شیعه، مصادیق «الناس» را افزون بر پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ، مؤمنان و مسلمانان می‌دانند. در تفسیر عرائس البیان آمده است:

حسد، تنها متوجّه پیامبر ﷺ نیست بلکه اولیای خدا، کسانی

که در میان مردم با هیبت، وقار و بزرگی شناخته می‌شوند، نیز مورد حسدند. آنان در چشم خلق، بزرگند و به‌خاطر کرامت‌ها و ولایتشان مورد حسد دشمنان قرار می‌گیرند.^{۱۲}

۹. التفسیر الاثری الجامع، ج ۱۱، ص ۱۸۰.

۱۰. تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، ص ۳۸۳.

۱۱. تفسیر هدایت، ج ۲، ص ۹۲ - ۹۳.

۱۲. عرائس البیان، ج ۱، ص ۲۵۳.

در تفسیر الفرقان آمده است:

یهودیان، رسول ﷺ، ائمه علیهم السلام و مسلمانان را به خاطر آن چه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، مورد حسد قرار می دهند که همان مقام رسالت و شریعت قرآنی است؛ شریعتی که بر سایر شرایع و پیامبران سیطره دارد.^{۱۳}

طبرسی، مراد از «الناس» را پیامبر ﷺ، اصحابشان و مردم عرب می داند.^{۱۴} او در تفسیر جوامع الجامع، «الناس» را رسول ﷺ و مؤمنان شمرده است. وی معتقد است یهود بر نبوت و نصرت روزافزونی که خداوند از فضلش به پیامبر ﷺ و مسلمانان داد، حسادت کردند.^{۱۵}

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه «فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب والحكمة» می گوید:

خدای تعالی در این جمله، اهل کتاب را در حسد ورزیدنشان مأیوس نموده، امیدشان به این که نعمت از دست آل ابراهیم برود را قطع می کند و می فرماید: این فضل خدا از آنها قطع شدنی نیست و اینها که نمی توانند ببینند، کور شوند و از غیظ بمیرند که حسد، سودی به حالشان ندارد. از این بیان، روشن می شود که مراد از آل ابراهیم، رسول الله ﷺ و اهل البیت علیهم السلام هستند که همه از نوادگان جناب اسماعیل و یا مطلق آل ابراهیم اند که محسود حقیقی یهودیان هستند.^{۱۶}

صاحب تفسیر المیزان، در نهایت، «الناس» را پیامبر ﷺ و مؤمنینی می داند که ایمان

آوردند.^{۱۷}

مصادیق «الناس» و «یحسبون» در آیه ۵۴ سوره نساء از دیدگاه فریقین

۱۳. الفرقان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۱۹.

۱۴. مجمع البیان، ج ۳، ص ۹۵.

۱۵. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۶۳.

۱۶. المیزان، ج ۴، ص ۶۰۰.

۱۷. المیزان، ج ۴، ص ۳۷۶.

مغنیه مراد از «الناس» را حضرت محمد ﷺ و مؤمنانی شمرده که با ایشان بودند. وی علّت حسادت یهودیان را آن چه خدا از دین حق و قدرت در زمین به آنها عطا کرده، می‌داند و می‌گوید:

هذه صفة اخرى من صفات اليهود و هي الحسد، و المراد بالناس محمد ﷺ و من معه من المؤمنين و حسدهم اليهود على ما افاء الله عليهم من دين الحق و التمكين في الارض. و لما عجز اليهود عن رد هذه النعمة عن المسلمين تحالفوا ضدهم مع المشركين و بثوا الدعايات الكاذبة ضد الاسلام و نبى الاسلام و فى النهاية دارت عليهم دائرة السوء و طردوا من الحجاز بما كانوا يفعلون.^{۱۸}

در کنز الدقائق، نبی و اصحابش و عرب را مصادیق «الناس» می‌داند. همچنین در این کتاب به نقل از تفاسیر روایی کافی و عیاشی، امامان را از مصادیق محسودون بر شمرده است. نبوت، حکمت، ملک عظیم و اولو الامر بودن ائمه، از دلایل حسد به ایشان شمرده شده است.^{۱۹}

۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

برخی از تفاسیر سنتی «الناس» را به پیامبر ﷺ تفسیر کرده‌اند. در تفسیر سمرقندی، حسد یهود نسبت به نبوت پیامبر ﷺ، دلیل انکار آنان بیان شده است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ، اِیْ اِیْحَسِدُونَ النَّاسَ. و یقال: بل یَحْسُدُونَ النَّاسَ یعنی به محمد ﷺ علی ما آتاهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ مِنَ النَّبُوَّةِ و کثرة تزوجه النساء، و یقولون: لو کان نبیاً لشغلته النَّبُوَّةُ عَنْ کثرة النساء، فیحسدونه بذلك.^{۲۰}

۱۸. الکاشف، ج ۲، ص ۳۵۱.

۱۹. تفسیر کنز الدقائق، ج ۳، ص ۴۲۶.

۲۰. تفسیر سمرقندی، ج ۱، ص ۳۰۹.

از دیدگاه سمرقندی، پیامبر ﷺ به دلیل نبوت و کثرت همسران مورد حسادت یهودیان بود. آنها از روی حسادت و در رد نبوت ایشان، می گفتند: اگر او پیامبر باشد، فرصت پرداختن به همسران زیاد را نخواهد داشت؛ پس وی پیامبر نیست. ابن کثیر تأکید دارد که حسد یهودیان مانع از تصدیق نبوت پیامبر ﷺ شد؛ زیرا او از عرب‌ها بود و نه از بنی اسرائیل و این امر، آنان را به حسادت وا داشت.^{۲۱} عسقلانی گفته که مراد از الناس در این آیه رسول الله ﷺ است:

اخرج ثعلبی بسند ضعیف الی ابی حمزه ثمالی قال: یعنی بالناس فی هذه الایة نبی الله ﷺ وحده؛ قالت یهود: انظروا الی هذا الذی ما شبع من الطعام لا و الله ما له همّ الا النساء لو کان نبیاً لشغله همّ النبوة عن النساء. حسدوه علی كثرة النساء و عابدوه بذلک و کذبوهم الله تعالی.^{۲۲} سیوطی تعداد زوجات پیامبر ﷺ را علت محسود بودنشان می داند:

و اخرج ابن ابی حاتم من طریق العونی عن ابن عباس قال: قال اهل الکتاب: زعم محمد انه اوتی ما اوتی فی تواضع و له تسع نسوة و لیس همّ الا النکاح فای ملک افضل من هذا فانزل الله: اَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ...^{۲۳}

در تفسیر المراغی آمده که یهودیان پس از آن که دیدند پیامبر ﷺ به نبوت و پیروزی روزافزون دست یافته، حسادتی شدید ورزیدند. نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده بود، مایه برانگیختن کینه‌ها و دشمنی‌ها شد.^{۲۴} در بعضی تفاسیر اهل سنت افزون بر پیامبر ﷺ، مصادیق دیگری هم برای «الناس» ذکر شده است. در تفسیر نسفی، پیامبر ﷺ و مؤمنان، محسود شمرده شده‌اند و علت حسادت، رسالت و ایمان دانسته شده است.^{۲۵}

۲۱. تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۲۹۶.

۲۲. العجائب فی بیان الاسباب، ج ۲، ص ۸۸۹.

۲۳. لباب النقول، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۰.

۲۴. تفسیر المراغی، ج ۵، ص ۶۵.

۲۵. تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۱۶۷.

زمخشری، رسول ﷺ و مؤمنان را از مصادیق «الناس» شمرده است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ بِأَيِّحْسُدُونَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ و المؤمنين
 على انكار الحسد و استقباحه. و كانوا يحسدونهم على ما آتاهم
 الله من النصرة و الغلبة و ازدياد العزّ و التقدم كل يوم.^{۳۶}

فخر رازی دو دیدگاه را معرفی می‌کند: نخست، نظر ابن عباس و اکثریت که منظور از «الناس» را حضرت محمد ﷺ دانسته‌اند. صاحبان این دیدگاه، استفاده از کلمه جمع برای یک نفر جایز شمرده‌اند زیرا پیامبر ﷺ صفات خوبی را در خود جمع کرده که فقط در میان افراد پراکنده وجود دارد. دوم، منظور از «الناس» رسول و مؤمنان همراه او هستند. کسانی که این نظر را پذیرفته‌اند، گفته‌اند:

کلمه «الناس» جمع است، بنابراین اطلاق آن بر جمع
 مناسب‌تر از اطلاق آن بر مفرد است.^{۳۷}

در التفسیر المحرر، پیامبر ﷺ و اصحابش به عنوان «الناس» ذکر شده‌اند:

ام الحامل لهم على ذلك حسدهم النبي ﷺ و اصحابه على
 ما رزقه الله تعالى من النبوة العظيمة؛ لكونه من العرب، و ليس
 من بنی اسرائیل.

علّت حسادت یهود، آن بود که پیامبر و مؤمنان، از عرب بودند نه از بنی اسرائیل.^{۳۸}

ابن عطیه درباره این موضوع به چهار نکته اشاره می‌کند:

- برخی مفسران چون ابن عباس، مجاهد، عکرمه، سدی و ضحاکه منظور از «الناس» را پیامبر اکرم ﷺ دانسته و حسد آنان نسبت به او را تنها بر نعمت نبوت شمرده‌اند.
- همچنین از ابن عباس و سدی نقل شده که این حسد را نسبت به آنچه از زنان برای پیامبر ﷺ حلال شده بود، دانسته‌اند. آنان گفته‌اند: یهودیان به مشرکان عرب گفتند:

۳۶. الکشاف، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳۷. التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۰.

۳۸. التفسیر المحرر، ج ۳، ص ۲۸۰.

بنگرید به این کسی که ادعا می‌کند فرستاده‌ای فروتن است، اما شکمش را از غذا پُر می‌کند و زنان فراوانی دارد. پس از آن، این آیه نازل شد و خداوند پاسخشان را داد.

- مراد از «الناس»، عرب است و بنی اسرائیل بدان جهت حسد می‌ورزند که پیامبر ﷺ از میان عرب برخاسته است.

- باز هم از ابن عباس روایت شده که گفت:

مراد از «الناس» ما قوم هستیم.

یعنی قریش.^{۲۹}

راغب از قول ابن عباس مصداق «الناس» را «النبی ﷺ» شمرده اما بر طبق گفته قتاده، قوم عرب و از قول دیگران مسلمانان هم مشمول «الناس» هستند.^{۳۰} بیضاوی، رسول ﷺ، اصحابش و عرب را جزو مصادیق «الناس» می‌داند:

بل یحسدون رسول الله ﷺ و اصحابه، او العرب، او الناس جميعا لان من حسد على النبوة فکانما حسد الناس کلهم کمالهم. و رشدهم و بخمهم و انکر علیهم الحسد کما ذمهم علی البخل و هما شر الرذائل و کان بینهما.^{۳۱} اسماعیل حقی، رسول ﷺ و اصحابش را «الناس» می‌داند.^{۳۲} ابن عجبیه، پیامبر ﷺ و عرب را مصداق «الناس» دانسته و می‌گوید:

حسادت بر نبوت و تعدد همسران پیامبر ﷺ داشتند و می‌گفتند: اگر او پیامبر بود، مشغله‌اش نسبت به نبوت، او را از زنان باز می‌داشت.^{۳۳}

۲۹. تفسیر المحرر الوجیز، ج ۲، ص ۵۶۴ - ۵۶۵.

۳۰. تفسیر الراغب الاصفهانی، ج ۲، ص ۱۲۷۷.

۳۱. انوار التنزیل، ج ۲، ص ۷۹.

۳۲. روح البیان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳۳. البحر المدید، ج ۲، ص ۵۷.

عبد الحمید کشک می گوید:

مراد از «الناس» در اینجا حضرت محمد ﷺ و کسانی هستند که با او ایمان آوردند و فضیلت و شرافت و نبوت در دین و دنیا و کتاب و علم ظاهر و حکمت و علم اسرار ودیعه گذاشته شده و ملک عظیم را دارند.

او معتقد است نزول کتاب بر پیامبر ﷺ، ریشه حسادت شد؛ چرا که یهودیان آن را برای خود می خواستند.^{۳۴}

سید قطب، رسول الله ﷺ و مسلمانان را به عنوان مصادیق «الناس» معرفی می کند و علت این مصداقیابی را تعبیر به حسادت می داند. او معتقد است یهودیان چنان حسد می ورزیدند که اگر قدرتی در اختیارشان بود، ذره ای از نعمت های خدا را به مردم نمی دادند، حتی به اندازه سوراخ کوچک پشت هسته خرما (نقیر). این حسد ریشه در آن داشت که نمی توانستند ببینند خداوند نعمتی چون نبوت را به پیامبری از عرب، و نه از بنی اسرائیل، عطا کرده است.^{۳۵}

برخی از مفسران غیر شیعی، دیدگاهی نزدیک به شیعه دارند. مثلاً حاکم حسکانی ضمن آوردن احادیثی از امام صادق علیه السلام، ائمه شیعه علیه السلام را از مصادیق «الناس» می شمرد.^{۳۶}

قاضی نعمان مغربی که اسماعیلی است، با بیان ارتباط میان آیه ۵۴ سوره نساء با آیه اولو الامر (نساء ۵۹)، مصادیق «الناس» و اولو الامر را ائمه علیهم السلام دانسته که به دلیل اعطای کتاب و حکمت و حاکمیت از سوی خداوند به ایشان، مورد حسد قرار گرفتند.^{۳۷}

ابن ابی الحدید نیز مراد از «الناس» را حضرت علی علیه السلام شمرده که به علت علم حضرت، به ایشان حسادت کردند.^{۳۸}

۳۴. فی رحاب التفسیر، ج ۵، ص ۹۳۹.

۳۵. فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳۶. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۸۳ - ۱۸۴.

۳۷. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۰.

۳۸. شرح نهج البلاغة، ج ۷، ص ۲۲۰.

ج) تحلیل حسادت به پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام

حسد یهود به پیامبر ﷺ دلایل متعددی داشت که می‌توان آنها را در چند محور تحلیل کرد:

- انحصارطلبی قومی: یهود خود را «قوم برگزیده خدا» می‌دانستند و باور داشتند که نبوت در میان بنی اسرائیل باقی خواهد ماند. بعثت پیامبری از عرب، این باور را در هم شکست.
- از دست رفتن سلطه دینی و اجتماعی: یهود در مدینه، موقعیت برتر دینی، اقتصادی و سیاسی داشتند. ظهور اسلام و وحدت قبایل عرب، باعث شد که این سلطه تهدید شود.
- ظهور ارزش‌های جدید: اسلام با آموزه‌هایی چون برابری، تقوا و اخلاق نبوی، نظام ارزشی یهود را به چالش کشید. این دگرگونی موجب شد یهود به جای این که حقیقت را بپذیرند، حسد بورزند.
- استکبار دینی: در آیات قرآن (از جمله آیه ۵۵ سوره نساء)، به اعطای کتاب و نبوت به آل ابراهیم اشاره شده است. این نشان می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ نیز در همان مسیر انبیای گذشته است. ولی یهود با تکبر دینی این حقیقت را انکار کردند.^{۳۹}

دو مذهب شیعه و اهل سنت در این که «الناس» بر رسول اکرم ﷺ تطبیق می‌شود، اتفاق نظر دارند. مفسران شیعه این واژه را شامل امام علی و بقیه امامان علیهم السلام نیز دانسته‌اند. این گسترش، با توجه به جایگاه امامت در اندیشه شیعه، قابل پذیرش است. با توجه به سیاق جمله که حالت استمرار دارد و همچنین قاعده جری و تطبیق، می‌توان گفت حسد در طول تاریخ در جریان بوده و محدود به زمان پیامبر ﷺ نمی‌شود. توجه به آیه شریفه اولو الامر:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ
مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.^{۴۰}

۳۹. ن. کد موسوعة التاريخ الاسلامی، ج ۲، ص ۵۵۵ - ۶۷۰.

۴۰. النساء، ۵۹.

که در ساختار و سیاقی مشترک با آیه ۵۴ سوره نساء قرار دارد، قرینه دیگری است بر دیدگاه توسعه‌ای شیعه. مفسران شیعه اولو الامر را به فرزندان حضرت علی علیه السلام جری داده‌اند؛ از این رو می‌توان گفت ایشان نیز برخوردار از «علی ما آتاهم» بوده و محسود واقع شده‌اند. یعنی می‌توان گفت مصادیق اولو الامر که همان پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان هستند، مصادیق همان «الناس» می‌باشند که مورد حسد واقع شدند. در سخنان حضرت علی علیه السلام گزاره‌هایی مبنی بر این که مورد حسادت بودند، دیده می‌شود. ایشان در نامه‌ای به معاویه فرمودند که به دلیل اعطای کتاب و حکمت به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان، آنها مورد حسد بواقع شدند:

و شما باید که بر ما حسد می‌برید.^{۴۱}

ایشان در همان نامه به معاویه فرمودند:

نبوت چیزی است که خداوند تعالی به هر یک از بندگان
که بخواهد، می‌دهد.

ایشان از این که فضل خداوند شامل حال پیامبر صلی الله علیه و آله شده و عده‌ای حسد بردند، سخن گفتند. آن حضرت در خطبه ۳۳ نهج البلاغه، علّت شورش ناکثین بر خود را «طلب دنیا» آن هم در پی حسادتی شمردند که برخاسته از بخشش حکومت به ایشان، توسط خداوند است. همچنین ایشان در خطبه ۳۴، علّت انتقام قریش از خودشان را منتخب بودن خود از میان قریشیان می‌دانند:

مرا با قریش چه کار. به خدا سوگند آن روز که کافر بودند
با آنها جنگیدم و هم‌اکنون که فریب خوردند، با آنها مبارزه
می‌کنم. دیروز با آنها زندگی می‌کردم و امروز نیز گرفتار آنها
هستم. به خدا سوگند، قریش از ما انتقام نمی‌گیرد، جز به آن
علّت که خداوند ما را از میان آنان برگزید و گرامی داشت.

۴۱. الغارات، ج ۱، ص ۶۸.

نتیجه

آیه ۵۴ سوره نساء یکی از آیاتی است که ریشه‌های روانی، اجتماعی و اعتقادی دشمنی یهود با پیامبر اسلام ﷺ را برملا می‌سازد. با بررسی تفاسیر شیعه و اهل سنت، روشن می‌شود که واژه «الناس» در این آیه، به طور خاص بر رسول خدا ﷺ دلالت دارد. در تفاسیر شیعی، مفهوم این آیه به اهل بیت ﷺ نیز گسترش داده شده و این دیدگاه با احادیث متعددی تقویت می‌شود. در تفاسیر اهل سنت نیز مفهوم آیه به یاران پیامبر ﷺ و نیز مسلمانان و یا عرب گسترش داده شده است. بر اساس شواهد قرآنی و تفسیری، حسد یهود ناشی از انتقال نبوت و فضل الهی به قوم عرب و سلب امتیاز از بنی اسرائیل بود. این حسد موجب انکار و دشمنی شد و مانع پذیرش حقیقت گردید. قرآن در این آیه، ضمن سرزنش یهودیان، بر این نکته تأکید دارد که فضل الهی در اختیار خداوند است و او هر که را بخواهد بر می‌گزیند. بنابراین، این آیه می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای تأمل در رذایل اخلاقی و اثرات ویرانگر اجتماعی آن، به‌ویژه حسد و همچنین بازخوانی نقش نبوت و امامت در تفسیر شیعی و سنی باشد. بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فریقین نشان می‌دهد که علی‌رغم اختلافات ظاهری، در عمق نگاه، اشتراکات تفسیری قابل توجهی وجود دارد که می‌تواند مبنای گفت‌وگو و هم‌فهمی میان مذاهب اسلامی قرار گیرد.

مصادیق «الناس» و «یحسبون» در آیه ۵۴ سوره نساء از دیدگاه فریقین

کتابنامه

۱. انوار التنزیل و اسرار التأویل، عبد الله بن عمر بیضاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۲. البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، احمد ابن عجمی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۱۰م.
۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ق.
۴. ترجمه نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، مؤسسه امیر المؤمنین ﷺ، ۱۳۸۵ش.
۵. تفسیر احسن الحدیث، علی اکبر قریشی، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۶. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۸۷ش.
۷. تفسیر الراغب الاصفهانی، راغب اصفهانی، ریاض، مدار الوطن، ۱۴۲۴ق.
۸. تفسیر القرآن العظیم، اسماعیل بن عمر ابن کثیر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۹. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

۱۰. تفسیر المحرّر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، عبد الحق بن غالب ابن عطیة اندلسی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۱۱. التفسیر المحرّر للقرآن الکریم، خالد بن عثمان سبت، تهران، الدار السنّیة، ۱۴۳۶ق.
۱۲. تفسیر المراغی، احمد مصطفی مراغی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۲ق.
۱۳. تفسیر سمرقندی، نصر بن محمّد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۴. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمّد بن محمّد رضا قمی مشهدی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۰۷ق.
۱۵. تفسیر نسفی، ابو حفص نجم الدین عمر بن محمّد نسفی، استانبول، دار اللباب، ۱۳۷۶ش.
۱۶. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۱۷. تفسیر هدایت، محمّد تقی مدرّسی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۱۸. جوامع الجوامع، طبرسی، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۱۹. دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الاحکام، قاضی نعمان مغربی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۳ق.
۲۰. روح البیان، اسماعیل بن مصطفی حقّی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۱ق.
۲۱. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحديد، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۳ش.
۲۲. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حاکم حسانانی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ش.
۲۳. الصافی، ملّا محسن فیض کاشانی، تهران، مکتبة الصدر، ۱۳۷۳ش.
۲۴. العجائب فی بیان الاسباب، ابن حجر عسقلانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
۲۵. عرائس البیان، روزبهان بن ابی نصر بقلی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸م.
۲۶. الغارات، ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ش.
۲۷. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنّة، محمّد صادقی تهرانی، بیروت، مؤسّسة العلمی، ۱۴۰۶ق.
۲۸. فی رحاب التفسیر، عبد الحمید کشکة نجف، المشرق للثقافة و النشر، ۱۴۰۷ق.
۲۹. فی ظلال القرآن، سیّد قطب، بیروت، دار الشرق، ۱۴۰۸ق.
۳۰. الکاشف، محمّد جواد مغنّیة، تهران، دار الکتاب الاسلامیة، ۱۴۲۴ق.
۳۱. الکشاف، محمّد بن عمر زمخشری، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. لباب النقول، عبد الرحمن ابن ابی بکر سیوطی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق.
۳۳. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۸ق.
۳۴. موسوعة التاریخ الاسلامی، محمّد هادی غروی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۵. موسوعه ابن ادریس حلّی، ابن ادریس حلّی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ش.
۳۶. المیزان فی التفسیر القرآن، سیّد محمّد حسین طباطبائی، بیروت، مؤسّسة العلمی، ۱۳۵۲ش.